آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۴۴۳
چهارشنبه
۱۴۰۵•۰۵•۱۴
۲۱ صفر ۱۴۴۸ / ۰۵ اوت ۲۰۲۶

«آرمان ملی» ضرورت نظام هماهنگ پرداخت بازنشستگان را بررسی می‌کند

کلاف سردرگم همسان‌سازی حقوق بازنشستگان

آرمان ملی- صدیقه بهزادپور: طرح همسان‌سازی حقوق بازنشستگان به دنبال اعتراضات مکرر بازنشستگان، این روزها باز هم روی میز مجلسی‌ها قرار گرفته است. ولی این بار با توجه به تورم افسارگسیخته و ناتوانی بازنشستگان در روزهایی که نیاز به آرامش و آسایش پس از سال‌ها کار کردن دارند، با واکنش‌های گسترده‌تر این گروه از جامعه روبرو گشته است. هرچند گلایه اصلی این گروه از جامعه تنها محدود به اندک بودن دریافتی‌ها نیست، بلکه نابرابری ساختاری در نظام پرداخت کشور است که خشم و ناامیدی را تشدید کرده است، چراکه در حالی که برخی دستگاه‌های اجرایی نظیر نهاد ریاست جمهوری یا وزارت نفت به واسطه ساختارهای جداگانه و مزایای ویژه، دریافتی‌های متفاوتی را تجربه می‌کنند، کارکنان و بازنشستگان سایر بخش‌ها مانند آموزش و پرورش در مضیقه شدید مالی قرار دارند. این شکاف عمیق، بیش از آنکه فقط یک مسئله اقتصادی باشد، از نگاه این قشر جامعه، بحران عدالت اجتماعی تلقی می‌شود. بازنشستگان معتقدند با رشد جهشی هزینه‌های زندگی، به‌ویژه در تأمین نیازهای خانواده و فرزندانی که به دلیل شرایط اقتصادی به سفره والدین بازگشته‌اند، فرمول‌های فعلی افزایش حقوق به هیچ عنوان پاسخگو نیست.

ضرورت همسان‌سازی

به گزارش «آرمان ملی»، آنچه اکنون از سوی منتقدان و نمایندگان مطالبه می‌شود، فراتر از یک همسان‌سازی ساده در قالب اعداد و ارقام است. خواست عمومی، گذار از سیستم‌های چندگانه و پراکنده پرداخت به سوی یک نظام هماهنگ ملی است که در آن شاخص‌هایی همچون سنوات خدمت، تخصص، مهارت و صلاحیت افراد، مبنای اصلی توزیع درآمدهای ملی قرار گیرد. بدون اصلاح ساختاری و واقعی‌سازی حقوق متناسب با تورم، هرگونه طرح مقطعی تنها مسکنی موقت بر پیکره رنجور معیشت بازنشستگان باقی خواهد ماند. حمید حاج اسماعیلی کارشناس بازار کار، دراین باره به «آرمان ملی»، گفت: نظام پرداخت حقوق و دستمزد در ایران، سال‌هاست که درگیر یک ساختار موزائیکی و چندپاره است که نه تنها در مدیریت منابع انسانی شکست خورده، بلکه به یکی از اصلی‌ترین موتورهای تولید نارضایتی اجتماعی تبدیل شده است. بحث‌های اخیر در مجلس شورای اسلامی پیرامون لایحه همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، تنها بخشی از مشکلاتی است که ریشه‌های آن در سیاست‌های اقتصادی دهه‌های گذشته نهفته است. در حقیقت وضعیت معیشتی این افراد نشان می‌دهد که پیوند میان تورم و قدرت خرید، سال‌هاست گسسته شده و راهکارهای مقطعی دولت‌ها نیز نتوانسته است این شکاف را ترمیم کند. او افزود: مسئله اصلی که در اکثر نقدها و گلایه‌های بازنشستگان دیده می‌شود، واقع‌گرایی مفقوده در محاسبات تورمی است. وقتی نرخ تورم رسمی و غیررسمی در کشور در مدار بالای ۴۰ تا ۵۰ درصد حرکت می‌کند، افزایش‌های ۲۰ تا ۳۰ درصدی حقوق بازنشستگان، در حقیقت به معنای کاهش قدرت خرید در پوشش افزایش حقوق است. در حقیقت بازنشستگان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین دهک‌های جامعه، نه تنها باید با تورم عمومی دست‌وپنجه نرم کنند، بلکه هزینه‌های سربار و اجتناب‌ناپذیری دارند که در سبد معیشت خانوار معمولی لحاظ نمی‌شود. این کارشناس اضافه کرد: حضور دوباره فرزندانِ تحصیل‌کرده اما بیکار یا دارای شغل کم‌درآمد در سفره والدین، فشار مضاعفی بر حقوق‌های بازنشستگی وارد کرده است. این بازنشستگان در نقش تکیه‌گاه اقتصادی نسل دوم و سوم خانواده عمل می‌کنند، در حالی که خود از نظر مالی در وضعیت استیصال قرار دارند.

شکاف ناعادلانه!

حاج اسماعیلی اضافه کرد: یکی از ویرانگرترین بخش‌های نظام پرداخت کنونی، تفاوت‌های فاحش میان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی است. شواهد حاکی از این است که؛ نهادهایی نظیر وزارت نفت، شرکت‌های تابعه و نهاد ریاست جمهوری، به دلیل برخورداری از قوانین خاص و بودجه‌های مستقل، نظام پرداختی متفاوتی دارند که به حقوق‌های نجومی یا مزایای رفاهی ویژه معروف شده است. این در حالی است که در سوی دیگر این دوقطبی، سازمان‌هایی مانند آموزش و پرورش یا ... قرار دارند که حقوق بگیرانش با وجود مسئولیت‌های خطیر، از حداقل‌های معیشتی رنج می‌برند، قطعاً این شکاف ساختاری، احساس تبعیض را به یک باور عمومی تبدیل کرده است. او توضیح داد: بازنشسته‌ای که ۳۰ سال در مناطق محروم خدمت کرده، اکنون با دیدن تفاوت دریافتی خود با بازنشسته یک دستگاه برخوردار، احساس می‌کند که ارزش سوابق شغلی او در این سیستم نادیده گرفته شده است، از این رو، درخواست برای یکسان‌سازی، در واقع درخواست برای خروج از این نظام‌های طبقاتی پرداخت است که به جای تخصص، بر پایه سازمان متبوع بنا شده‌اند.

چالش پرداخت هماهنگ

این کارشناس بازار کار اضافه کرد: تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که طرح‌های همسان‌سازی که دولت‌ها به صورت دوره‌ای ارائه می‌دهند، بیشتر جنبه مسکن‌های موقت دارند و تقریباً همگان در این موضوع معتقدند که تا زمانی که نظام پرداخت هماهنگ برای تمام ارکان حاکمیتی تعریف نشود، هیچ طرحی نمی‌تواند عادلانه باشد. در این راستا، مشکل اصلی در این است که هر دستگاه برای خود حریمی دارد که در برابر اصلاحات مقاومت می‌کند. مدیران دستگاه‌های برخوردار با استفاده از لابی‌های خود، اجازه نمی‌دهند که استانداردهای پرداخت یکسان شود. در نتیجه، طرح‌هایی که در مجلس تصویب می‌شوند، در مرحله اجرا یا با کمبود بودجه مواجه می‌شوند و یا با تفسیرهای متفاوت، دوباره بازتولیدکننده نابرابری خواهند بود.

معیارهای گم‌شده

او با تاکید بر اینکه؛ اصلاح نظام پرداخت باید بر سه پایه اصلی استوار باشد که در حال حاضر نادیده گرفته می‌شوند، گفت: سابقه و سنوات خدمت واقعی که متناسب با سختی کار و شرایط محیطی سنجیده شود. همچنین تحصیلات، مهارت و صلاحیت‌های فنی که فرد در طول دوران خدمت کسب کرده نیز باید در پرداخت حقوق ومزایالحاظ شود. علاوه بر این مسأله انطباق با نرخ تورم واقعی، نه نرخ‌های دستوری یا تورمِ نقطه‌ای که در پایان سال اعلام می‌شود نیز مسئله‌ای است که در فرآیند محاسبات حقوق و مزایای بازنشستگان فراموش شده است. حاج اسماعیلی معتقد است: در حال حاضر، در فرمول‌های افزایش حقوق، معمولاً میزان دریافتی قبلی مبنا قرار می‌گیرد که خودِ این مبنا غلط است، زیرا بر پایه بی‌عدالتی‌های قبلی بنا شده است. این چرخه معیوب باعث می‌شود که بازنشستگان دستگاه‌های ضعیف، همواره در رده‌های پایین باقی بمانند و بازنشستگان دستگاه‌های برخوردار، فاصله خود را با اکثریت جامعه حفظ کنند.

پیامدهای خطرناک

وی با اشاره به اینکه نارضایتی‌های انباشته، پیامدهای اجتماعی خطرناکی دارد، ادامه داد: خروج نخبگان از بدنه دولت به دلیل حقوق پایین، بی‌انگیزه شدن کارمندان فعال در دستگاه‌های آموزشی و بهداشتی، و کاهش نرخ فرزندآوری و تشکیل خانواده در نسل جوان به دلیل ناامیدی از آینده اقتصادی، همگی به نوعی با این نابرابری‌های مالی گره خورده‌اند. در حقیقت بازنشستگانِ امروز، آیینه تمام‌نمای آینده شاغلان امروز هستند. اگر یک کارمند در دوران خدمت ببیند که نظام پرداخت چقدر ناعادلانه است، انگیزه‌ای برای بهره‌وری نخواهد داشت و در دوران بازنشستگی نیز با فقر دست‌به‌گریبان خواهد بود. ایران دارای منابع عظیمی است که اگر به جای توزیع نابرابر در ساختارهای اداری، در یک صندوق ملی پرداخت عادلانه تجمیع و بر اساس شایسته‌سالاری توزیع شود، می‌تواند بخش بزرگی از مشکلات را حل کند. او درباره راه‌حل مناسب در این باره گفت: راهکار اساسی این است که مجلس و دولت از سیاست‌های جزیره‌ای دست بردارند. تا زمانی که حقوق مدیران شرکت‌های دولتی بر اساس شاخص‌های غیرشفاف تعیین شود و در مقابل، حقوق فرهنگیان و کارگران با چانه‌زنی‌های سالانه تعیین گردد، این شکاف پر نخواهد شد. قطعاً لازم است یک قانون جامع خدمات مدیریت کشوری بازنویسی شود که هیچ استثنایی برای هیچ دستگاهی قائل نباشد. همسان‌سازی حقوق بازنشستگان باید نه به عنوان یک طرح صدقه‌ای، بلکه به عنوان یک وظیفه حاکمیتی برای بازگرداندن کرامت به افرادی که عمر خود را صرف توسعه کشور کرده‌اند، دیده شود. در نهایت، بدون نگاه سیستمی و پذیرش این واقعیت که اقتصاد معیشتی کشور دچار فروپاشی ساختاری است، تمامی بحث‌های پارلمانی تنها به تکرار چرخه‌های معیوب گذشته منجر خواهد شد که نتیجه آن تنها سردرگمی بیشتر و فشار مضاعف بر دوش بازنشستگان کشور است.

شبکه برق ایران:

از اوج مصرف تابستان عبور کردیم

مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران با تأکید بر نقش راهبردی این شرکت در حفظ پایداری شبکه سراسری برق کشور، عبور از چالش‌های صنعت برق از جمله ناترازی انرژی، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، تحول دیجیتال و تهدیدهای سایبری را نیازمند بهره‌گیری از نیروی انسانی متخصص، تصمیم‌گیری علمی و مسئولیت‌پذیری دانست. مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران، در نشست معارفه نیروهای استخدامی جدید، با تشریح مأموریت راهبردی این شرکت، حفظ پایداری شبکه سراسری برق کشور را مسئولیتی ملی دانست و گفت: این شرکت مسئولیت راهبری یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین زیرساخت‌های حیاتی کشور را بر عهده دارد؛ زیرساختی که پایداری آن با زندگی روزمره مردم، فعالیت صنایع، مراکز درمانی، حمل‌ونقل، مراکز داده و دیگر خدمات حیاتی کشور پیوندی مستقیم دارد. وی با بیان اینکه شبکه برق شبکه‌ای زنده و پویاست، افزود: فرکانس، نبض این شبکه است و کوچک‌ترین ناپایداری می‌تواند سراسر کشور را تحت تأثیر قرار دهد؛ از این‌رو، تصمیم‌گیری در مدیریت شبکه برق ایران باید همواره بر پایه علم، تحلیل، هماهنگی و احساس مسئولیت باشد. مذکوری با تأکید بر اینکه آثار پایداری شبکه برق در زندگی همه مردم نمود دارد، اظهار داشت: از نانوایی یک محله تا یک بیمارستان، از خط تولید یک کارخانه تا مراکز داده و سامانه‌های حمل‌ونقل، استمرار خدمت‌رسانی همگی به پایداری شبکه برق وابسته است و همین موضوع، مسئولیت کارکنان این شرکت را دوچندان می‌کند. وی با اشاره به فلسفه تأسیس شرکت مدیریت شبکه برق ایران در سال ۱۳۸۳ خاطرنشان کرد: این شرکت با هدف حفظ پایداری شبکه سراسری برق کشور و در راستای تجدید ساختار در صنعت برق شکل گرفت و از زمان آغاز فعالیت تاکنون، با اتکا به دانش و تجربه متخصصان داخلی، شبکه برق ایران هیچ‌گاه دچار فروپاشی سراسری نشده است؛ این دستاورد در شرایطی حاصل شده است که بسیاری از کشورهای همجوار و دیگر کشورهای جهان در سال‌های اخیر خاموشی‌ها و فروپاشی‌های گسترده شبکه را تجربه کرده‌اند. مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران افزود: توان تخصصی متخصصان ایرانی در مدیریت شبکه برق، همواره مورد توجه کشورهای دیگر قرار داشته و بسیاری از آنها برای آشنایی و بهره‌گیری از تجربیات ایران در حفظ پایداری شبکه برق درخواست همکاری داشته‌اند. وی مدیریت ناترازی انرژی، گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر، تحول دیجیتال و امنیت سایبری را مهم‌ترین محورهای پیش‌روی صنعت برق برشمرد و تأکید کرد: موفقیت در این عرصه‌ها، بیش از هر زمان دیگری به نیروهای متخصص، یادگیرنده، خلاق و مسئولیت‌پذیر نیاز دارد. مذکوری با اشاره به عملکرد شبکه سراسری برق در تابستان امسال گفت: با وجود تداوم ناترازی، شبکه برق کشور با برنامه‌ریزی، هماهنگی و تلاش شبانه‌روزی متخصصان صنعت برق، با موفقیت از اوج مصرف تابستان سال جاری عبور کرد. به گفته وی، ناترازی برق نسبت به سال گذشته حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. تأمین برق صنایع با وجود تمام محدودیت‌ها و آسیب دیدگی نیروگاههای صنایع در جنگ تحمیلی رمضان، ۱۳ درصد افزایش پیدا کرده است، تولید نیروگاه‌های تجدیدپذیر ۲۱۲ درصد رشد داشته است و اوج تقاضای مصرف برق نیز با رسیدن به قله ۷۵۸۵۱ مگاوات در روز پنجم مردادماه به ثبت رسید. وی سرمایه انسانی را مهم‌ترین مزیت رقابتی سازمان‌ها دانست و خطاب به نیروهای استخدامی جدید گفت: انتظار نداریم از نخستین روز پاسخ همه پرسش‌ها را بدانید، اما انتظار داریم همواره در مسیر یادگیری حرکت کنید، مسئولیت‌پذیر باشید، از تجربه پیشکسوتان بهره بگیرید و دانش خود را به مهارت و عمل تبدیل کنید. مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران در پایان، یادگیری مستمر، مسئولیت‌پذیری و تبدیل دانش به مهارت را سه انتظار اصلی از نیروهای جدید برشمرد و ابراز امیدواری کرد آنان با انگیزه، تخصص و روحیه همکاری، نقش مؤثری در حفظ پایداری شبکه سراسری برق کشور و تحقق مأموریت‌های ملی این شرکت ایفا کنند.

نکته

چراگرانی تمام نمی‌شود؟

یک اقتصاددان با تاکید بر اینکه کاهش نسبی تورم در یک ماه اخیر به معنای پایان گرانی و ثبات تورم نیست، گفت: اقتصاد ایران همچنان درگیر تورم مزمن است و تا زمانی که کسری بودجه، ناترازی‌های اقتصادی و تنش‌های خارجی پابرجا باشد، معیشت مردم تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

علی قنبری در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به کاهش نسبی تورم در یک ماه گذشته اظهار کرد: واقعیت این است که در سال‌های اخیر، به‌ویژه در سال گذشته، روند تورم همواره افزایشی بوده است. اینکه در یک ماه یا یک هفته قیمت کالاها رشد کمتری داشته یا ثابت مانده باشد، معیاری برای ثبات نرخ تورم نیست.

تورم ۱۲۸ درصدی خوراکی‌ها

وی افزود: آنچه با نیازهای روزمره مردم مستقیماً در ارتباط است، بخش خوراکی‌هاست که تورم نقطه به نقطه آن به ۱۲۸ درصد رسیده است. استدلال من این است که رشد قیمت‌ها، به‌ویژه در کالاهای اساسی، همچنان ادامه خواهد داشت. فشار در بخش خوراکی‌ها از آن جهت بیشتر است که بخش عمده درآمد مردم صرف تأمین کالاهای اساسی می‌شود؛ در غیر این صورت، جامعه با خطر سوءتغذیه مواجه خواهد شد. این در حالی است که نرخ تورم کالاهای بادوام مانند مسکن و ماشین‌آلات، کمتر از تورم عمومی و در حدود ۳۶ درصد است.

این اقتصاددان با بیان این‌که علت رشد تورم، عدم توازن میان تقاضا و عرضه است گفت: در کنار این موضوع، جنگ و کاهش درآمدها باعث شده سفره مردم روز به روز کوچک‌تر شود. مردم بخش قابل توجهی از درآمد خود را صرف خرید لبنیات، گوشت و حتی نان می‌کنند، در حالی که دستمزدها ثابت مانده یا در مواردی کاهش یافته است.

قنبری تصریح کرد: دولت تا دهه‌ها یارانه‌های سنگینی برای نان پرداخت می‌کرد، اما در این بخش نیز یارانه‌ها کاهش یافته است؛ به‌طوری که نان و غلات در تیرماه ۱۴۰۵ رتبه سوم تورم ماهانه را به خود اختصاص دادند. امروزه قیمت ۶۰ تا ۸۰ هزار تومان برای یک نان سنگک، به امری عادی بدل شده است.

کسری بودجه

وی گفت: تا زمانی که درآمدها کفاف هزینه‌ها را ندهد و کسری بودجه دولت به‌صورت سرسام‌آور ادامه یابد، نمی‌توان به کاهش تورم امیدوار بود. در حال حاضر، درآمدهای حاصل از فروش نفت کاهش یافته و درآمدهای مالیاتی نیز علی‌رغم رشد حدود ۴۶ درصدی، نسبت به نرخ تورم، رشد متناسبی نداشته‌اند.

راهکار اصلی

قنبری اصلی‌ترین راهکار ثبات قیمت کالاها را تصمیم برای پایان دادن به «جنگ» دانست و گفت: ما اکنون دست بالا را در جنگ داریم و آمریکا نیز نسبت به درخواست‌های قبلی خود قدری کوتاه آمده است. بنابراین، ایران باید سناریوی مناسبی برای خروج از وضعیت جنگی تدوین کند. ما باید توافق‌نامه اخیر ۱۵ بندی را که به نفع ایران بود، احیا کنیم؛ توافقی که حتی اسرائیل به‌شدت از آن ناراضی بود و عمدتاً ایران را برنده آن می‌دانست. باید با پادرمیانی کشورهای خلیج فارس، پاکستان، ترکیه و مصر، به توافقی با آمریکا دست یافت؛ چراکه این تنش‌های منطقه‌ای مستقیماً بر تورم اثر می‌گذارد.

به گفته قنبری در حوزه مسکن نیز باید کنترل تورم را سرلوحه کار قرار دهیم و هم‌زمان تقاضای مسکن را با افزایش عرضه (به‌صورت ملکی و استیجاری) پاسخ دهیم تا مسکن ارزان‌قیمت در اختیار جوانان قرار گیرد.

ویژه

آخرین وضعیت سدهای تهران

بر اساس آخرین آمار شرکت مدیریت منابع آب ایران، سد ماملو کمترین و سد طالقان بیشترین حجم آب را در میان سدهای تهران دارند؛ با این حال تداوم شرایط موجود ضرورت مدیریت مصرف و صرفه‌جویی آب از سوی شهروندان را بیش از گذشته آشکار می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد در طول سالیان گذشته، دمای هوا روندی افزایشی داشته که این افزایش، به‌ویژه در سال‌های اخیر، شدت بیشتری یافته است. شاید افزایش دما در نگاه نخست تنها به معنای احساس گرمای بیشتر باشد اما آثار آن بسیار فراتر از این موضوع است. به عبارتی افزایش دما می‌تواند موجب کاهش یا افزایش بارش شود و حتی ممکن است میزان بارش سالانه تغییر محسوسی نداشته باشد اما آنچه اهمیت دارد تغییر در شدت، زمان، مکان و مدت بارش‌ها است که طی چند ماه مشخص می‌شود. بنابراین، ممکن است از نظر آماری بگوییم میزان بارش سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ نرمال بوده اما پراکندگی زمانی و مکانی آن تغییر کرده است. به عبارتی بارش‌ها در زمانی رخ می‌دهد که به آن نیاز نیست یا در مناطقی اتفاق افتاده که امکان ذخیره‌سازی آن‌ها وجود ندارد. بنابراین اگر وضعیت مخازن سدها بررسی شود، درحال حاضر به‌طور متوسط حدود ۵۸ درصد ظرفیت آنها پر است اما حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد سدهای کشور بیش از ۲۵ درصد کسری نسبت به شرایط معمول دارند. طبق آمار شرکت مدیریت منابع آب ایران، تا تاریخ ۱۰ مرداد ماه، موجودی مخزن سد امیرکبیر به ۱۶۳ میلیون مترمکعب رسیده که بیانگر ۹۱ درصد پرشدگی این سد است که این رقم نسبت به سال گذشته ۱۹۸ درصد تغییر داشته است. موجودی مخزن سد لار نیز ۷۱ میلیون مترمکعب ثبت شده و پرشدگی این سد به ۷ درصد رسیده است که این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۳۳ درصد تغییر داشته است.

همچنین آمار منتشر شده گویای آن است که موجودی مخزن سد لتیان ۴۹ میلیون متر مکعب است که نشان دهنده پرشدگی ۶۵ درصد است که میزان تغییرات آن نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳۸ درصد است. از سوی دیگر موجودی مخزن سد ماملو در مقایسه با چهار سد دیگر تهران همچنان نامناسب است به گونه‌ای که موجود محزن این سد ۳۵ میلیون متر مکعب بوده که پرشدگی آن به ۱۴ درصد رسیده و میزان تغییرات آن نسبت به سال گذشته ۵۷ درصد اعلام شده است. در این میان، وضعیت سد طالقان نسبت به سایر سدهای تأمین‌کننده آب تهران اندکی بهتر گزارش شده، به طوری که موجودی مخزن این سد ۲۲۶ میلیون مترمکعب بوده و پرشدگی آن به ۵۴ درصد رسیده اما نسبت به سال گذشته، تغییر ۸ درصدی حجم مخزن را نشان می‌دهد.

گزارش

آخرین وضعیت سدهای تهران

بررسی روند قیمت‌ها از نخستین ماه تابستان تا ابتدای مرداد، نشان می‌دهد اگرچه گوشت گوساله در برخی اقلام با کاهش قیمت همراه بوده، اما گوشت گوسفندی همچنان روند افزایشی خود را حفظ کرده و در عین حال، اختلاف قیمت میان محل‌های مختلف عرضه نیز همچنان قابل توجه است.

به گزارش ایسنا، بررسی قیمت‌های عرضه‌شده در میادین میوه و تره‌بار نشان می‌دهد در فاصله تیر تا مرداد، ران گوسفند از دو میلیون و ۳۰ هزار تومان به دو میلیون و ۹۰ هزار تومان رسیده و حدود سه درصد افزایش یافته است. راسته گوسفند با استخوان نیز با رشد حدود ۴.۴ درصدی، از یک میلیون و ۵۸۰ هزار تومان به یک میلیون و ۶۵۰ هزار تومان رسیده و بیشترین افزایش قیمت را در میان اقلام مورد بررسی تجربه کرده است. سردست گوسفند نیز با رشد ۲.۲ درصدی به یک میلیون و ۸۹۰ هزار تومان رسیده است.

در بخش گوشت گوساله نیز قیمت‌های میادین میوه و تره‌بار روند متفاوتی را نشان می‌دهد. ران گوساله از یک میلیون و ۹۲۰ هزار تومان در تیرماه به یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان در مرداد کاهش یافته که افتی حدود ۱۶.۷ درصدی را نشان می‌دهد و بیشترین تغییر قیمت در میان اقلام بررسی‌شده بوده است. در همین مدت، سردست گوساله بدون تغییر در سطح یک میلیون و ۳۶۰ هزار تومان باقی مانده است. این تفاوت نشان می‌دهد در میادین میوه و تره‌بار، تغییرات قیمت گوشت گوسفندی و گوساله در یک مسیر واحد نبوده است. بررسی‌های میدانی ایسنا از خرده‌فروشی‌های سطح شهر نیز نشان می‌دهد اختلاف قیمت در فروشگاه‌ها چندان قابل توجه نیست. ران گوسفند در خرده‌فروشی‌های سطح شهر یک میلیون و ۹۵۰ هزار تومان و در حومه یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان عرضه می‌شود و ران گوساله نیز به ترتیب یک میلیون و ۶۵۰ هزار تومان و یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان قیمت دارد. اختلاف حدود ۵۰ هزار تومانی این اقلام، در مقایسه با قیمت نهایی آنها، کمتر از سه درصد است و نشان می‌دهد تفاوت قیمت در فروشگاه‌های سطح شهر و حومه چندان قابل توجه نیست.

گوشت بسته‌بندی

در ادامه، قیمت گوشت در فروشگاه‌های زنجیره‌ای مشمول طرح کالابرگ الکترونیک نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد اگرچه این فروشگاه‌ها در فهرست مراکز عرضه کالاهای اساسی قرار دارند، اما قیمت گوشت قرمز در آنها به دلیل عرضه گوشت به صورت قطعه‌بندی شده و بسته‌بندی، همچنان در سطح بالایی قرار گرفته است. ران و سردست گوسفند هر کدام دو میلیون و ۳۰ هزار تومان، ران و سردست گوساله یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان و راسته گوساله دو میلیون و ۳۴۰ هزار تومان قیمت دارند؛ قیمت‌هایی که در برخی اقلام از نرخ‌های مشاهده‌شده در خرده‌فروشی‌ها بالاتر است. هرچند برخی فروشگاه‌های زنجیره‌ای در تلاش بوده‌اند بخشی از عرضه گوشت قرمز را به صورت غیربسته‌بندی و تازه اختصاص دهند، تا زمینه انتخاب بیشتری را برای مشتریان خود فراهم کنند. بررسی قیمت‌ها در فروشگاه‌های اینترنتی عرضه‌کننده گوشت و پروتئین نشان می‌دهد نرخ گوشت‌های بسته‌بندی همچنان فاصله محسوسی با خرده‌فروشی‌های سطح شهر دارد. ران گوسفندی در این فروشگاه‌ها دو میلیون و ۳۹۸ هزار تومان و سردست گوسفندی دو میلیون و ۴۰۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است؛ یعنی حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان بالاتر از قیمت همان اقلام در بسیاری از قصابی‌های سطح شهر. ران و سردست گوساله نیز به ترتیب یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان و یک میلیون و ۷۵۰ هزار تومان عرضه می‌شوند. این اختلاف قیمت را می‌توان ناشی از هزینه‌های بسته‌بندی، برند، زنجیره توزیع، حمل‌ونقل، خدمات ارسال و همچنین بازار هدف این فروشگاه‌ها دانست؛ فروشگاه‌هایی که عمدتا در مناطق شمال شهر فعالیت دارند و بخشی از مشتریان آنها، سهولت خرید را بر قیمت ترجیح می‌دهند. در نتیجه، بازار گوشت عملا به دو بخش با الگوهای متفاوت مصرف تقسیم شده است؛ فروشگاه‌های سطح شهر که مبنای خرید بخش بزرگی از خانوارهاست و بازار آنلاین که اگرچه سهم رو به رشدی دارد، اما قیمت‌های بالاتری را به مصرف‌کننده تحمیل می‌کند.

سهم کالابرگ

بررسی‌ها نشان می‌دهد هرچند قیمت‌ها در خرده‌فروشی‌ها از ثبات نسبی بیشتری برخوردار است، اما با تغییر محل عرضه، فاصله قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند و مصرف‌کنندگان بسته به محل خرید، با نرخ‌های متفاوتی برای یک کالای مشابه مواجه می‌شوند. از آنجا که بخش قابل توجهی از خریدهای مشمول کالابرگ از طریق فروشگاه‌های زنجیره‌ای انجام می‌شود و گوشت قرمز در این فروشگاه‌ها عمدتا به صورت بسته‌بندی و آماده طبخ عرضه می‌شود، مقایسه قیمت این محصولات با اعتبار یک میلیون تومانی کالابرگ اهمیت پیدا می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد با این اعتبار، امکان خرید مقدار محدودی از گوشت قرمز بسته‌بندی وجود دارد؛ موضوعی که نشان می‌دهد سهم کالابرگ در تامین این کالا محدود است.